



۲۰۱۷/۰۹/۰۶



مصطفی عمرزی

## به کتاب ها کمک کنیم!



طی سه سال اخیر، در ارمنان های دیموکراسی توریدی، بازار های کتاب کشور، به رکود رفته اند. در شرایطی که نیاز های ما به اندوخته های فکری ایجاب می کنند- حجم کمیت و کیفیت نشر کتاب بیشتر شود، ضعف های آشکار اقتصادی و تأثیرات منفی آن ها بر درآمد های مردم، رونق فروش کتاب را که حتی از همان آغاز هرج و مرج حاکمیت تنظیمی تا آغاز حکومت دکتور غنی، بد نبودند، باوجود مشکلات، اما هرگز به ایستی نرسانده بودند که طی سه سال اخیر رسیده است. فرهنگیان ما که از سال هاست در نبود حق الزحمه لازم، فی سبیل الله مصروف اند، از رهگذر عدم فروش، به خصوص زمانی که زحمات خویش را از پول شخصی منتشر می کنند، در شمار مردمی در آمده اند که سرمایه و مایه، هر دو را از دست می دهند.

بدون شک، فروش و بازار کالای فرهنگی، بر کار فرهنگی اثر می گذرد و توجه گسترده از این حیث، در جامعه غیر قانون مند ما، باعث می شود شماری از فروشندگان و ناشران، دل بسوزانند و در مسرت تجارت فرهنگی، چیزی هم به فرهنگیان برسد.

عدم توجه به کالای فرهنگی، به خصوص قسم افغانی در فضایی که در امواج رسانه یی و نشراتی تهاجم فرهنگی، گاه قضاوت های ما در همسویی با بیگانه قرار می گیرد، این هراس را بیشتر می کند که راکد شدن کار فرهنگی در افغانستان در کنار ضمایم رسانه یی که با ماهیت انجوبی، اکثرأ مقطعه یی بودند و خود به معضلاتی می افزایند که شماری با کار در آن ها، عادت داشتند، میزان استفاده ما از کالای خارجی بیشتر شود. هرچند فرآورده های خوبی نیز در حوزه امتعه ای فرهنگی خارجی ارایه می شوند، اما کالا هایی که ماهیت بسیار دینی، تاریخی خاص و سیاسی دارند، در جمعه بازار تجارت تحصیلات عالی و شبکه های فرهنگی، دسترسی به آثاری را سهولت می بخشند که فقط در قسمت اصلاحات فارسیستی آن ها، اوقات زیاد ما سپری می شوند.

برای این که در یاس ناشی از شرایط، کاملاً مبهوت نشویم، پیشنهاد می کنم آثار منتشره افغانی را برای کمک به فرهنگیان ما و تاجران کتاب افغانستان، به خصوص کسانی که زحمات فرهنگیان وطن را چاپ می کنند، تشهیر کنیم. در نخست بر دولت فشار بیاوریم سهمیه ای از کمک های خارجی را برای خرید کتب افغانی اختصاص دهند و در جانب دیگر، با معرفی آثار فرهنگیان افغان، نحوه ای از اشتها فرهنگیان را رایج سازیم. این کار به معنی اعلانات پیام های تجارتی نیست، بل با معرفی آثار افغانی، مردم را تشویق کنیم با استفاده از آن ها- به خصوص مهم ترین

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولی

ها- هم به آگاهی های خویش بیافزایند و نیز به ناشران و فرهنگیان کمک کنند که بر اثر شهرت آثار، قادر می شوند با قبول سرمایه گذاری، زحمات فرهنگی ما هدر نروند. مثلاً من تصمیم گرفته ام کتب انتشارات میوند و دانش را معرفی کنم. برای این کار، هر هفته به کتاب فروشی های سبا و دانش خواهم رفت (اگر زنده ماندم) و با اخذ یک کتاب و بررسی محتوای آن، چنانی که دوستان از عادت این قلم می دانند، اهمیت کتاب را برای جلب خواننده، نشانی می کنم. کتاب دوستان دیگر نیز می توانند با عمل به مثل، به کتاب ها کمک کنند.

همین اکنون هزاران جلد کتاب بسیار مهم انتشارات دانش و میوند، دو موسسه مهم نشرات افغانی، در گدام ها مانده اند که بر اثر نبود بازار، زحمات هزاران فرهنگی پشتون، تاجیک، اوزبیک، هزاره و... را خاک خورده می کنند. اهمیت توجه بر کالای فرهنگی و حسن دوستی با کتاب، بر کسی پوشیده نیست، بنابراین به ارزش ابتکاری اشاره می کنم که حداقل کمترین کار های ما با دوستان خالی است. روزانه به هزاران مطلب و مسایل در سهولت های رسانه بی و شبکه های اجتماعی در افغانستان، ته و بالا می شوند که اگر از رهگذر ارزشمندی بررسی شوند، بسیاری در حد سلابق، سیاست زده، قومی، زبانی و گرایش های مذموم ضد ملی، به خصوص جوانان ما را که از پرتگاه مواد مخدر، جذب در اردوگاه ستیز، خطرات ناشی از بی کاری، دور نیستند، مصروف می کنند و حتی سرمایه های بی شمار دارند.

فرهنگی سازی مساله فروش کتاب، دست کم از ارزش کار های فرهنگی ندارد. من شنیده ام بسیاری از شخصیت های معروف دنیا، در کشور هایی که مثلاً کتاب ها در تیراژ یک میلیون و بیشتر از آن چاپ می شوند، پس از زحمات نوشتن، چاپ و انتشار، اهمیت اشتهار را از دست نمی دهند و حتی در جاده ها و محلات تجمع مردم می روند و مردم را برای خرید و اهمیت کتاب، تشویق می کنند.

شدت فشار ها، در سه سال اخیر، ذوق بسیاری را که بر اثر استطاعت کم، اما صرفیه ای برای کتاب داشتند، در بی کاری هایی که گسترده تر می شوند و باز هم اصل مساله، قضیه شکم می شود، کم کرده است. اگر این پروسه (معرفی کتاب ها) متقاضی باور های ایمانی هم نباشد، با هشدار از اوضاعی که ایجاد شده، حداقل دست اندرکارانی که همانند من، ماشین خود کار شده اند را به صرف همت بیشتر می خواهد تا کسانی که می دانند، اخلاص بیشتر کنند. هر چند مطمئن نیستم چنین تلاش هایی از مزایای آن سرمایه های دولتی بهره مند شوند که در حکومت وحدت ملی، از فقط معاش چند درجن مشاور بی سواد، می شود صد ها جلد کتاب فرهنگیان افغان را چاپ کرد.

در یک جامعه قانون مند، نیازی به تبیین و شرح مسایلی نیست که در باب نقد، دلخوری های ما را بیان کنند. ارزشمندی جامعه قانون مند در این است که جای و جایگاه همه معلوم است و در برابر هر عمل خیر، پاداش مادی آن، ضمیمه معنوی می شود. تا آن روز که خدا کند دور نباشد، ناگزیر باید تحمل کنیم و چه خوب که سهم ما از شکران زنده گی، کار در امور خیر باشد. «به کتاب ها کمک کنیم!»، شعار این حرکت است!

پایان